

(پژوهش‌های موضوعی در نهج البلاغه)

« جلد دوم »

اخلاق نظامی

از دیدگاه

نهج البلاغه



مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)

محمد دشتی

دشتی، محمد، ۱۳۳۰، ۱۳۸۰.

پژوهش های موضوعی در نهج البلاغه / محمد دشتی - قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی
امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۰.

ISBN 978 - 964 - 6422 - 41 - 4

۲۹۶ ص

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس. مندرجات: اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه

۱. علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - نهج البلاغه - نقد و تفسیر ۲.

فرماندهی (اسلام)، ۳. اخلاق اسلامی، ۴. کارمندان - گزینش، الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۱۵

کتابخانه ملی پ ۴ ۵/۰۸/۲۸ BP



• شناسنامه کتاب

نام کتاب: اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه

مؤلف: محمد دشتی

ناشر: انتشارات امیرالمؤمنین (ع)

صفحه آرایشی: محمد مهدی دشتی

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

چاپخانه: الهادی

تاریخ چاپ و نوبت چاپ: زمستان ۸۸ - اول

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۲۲-۴۱-۴

مرکز پخش: قم / خیابان حجتیه / کوی ۲ / پلاک ۵ - تلفن: ۷۷۴۱۱۸۴

دورنگار: ۷۷۴۴۷۶۴ - ص / پ: ۳۶۷۶-۳۷۱۸۵

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)

nahjolbalaghe.com

(کلیه حقوق اعم از طبع و نشر برای ناشر محفوظ است.)

۱۰	
۱۱	
۱۲	
۱۳	
۱۴	
۱۵	
۱۶	
۱۷	
۱۸	
۱۹	
۲۰	
۲۱	
۲۲	
۲۳	
۲۴	
۲۵	
۲۶	
۲۷	
۲۸	
۲۹	
۳۰	
۳۱	
۳۲	
۳۳	
۳۴	
۳۵	
۳۶	
۳۷	
۳۸	
۳۹	
۴۰	
۴۱	
۴۲	
۴۳	
۴۴	
۴۵	
۴۶	
۴۷	
۴۸	
۴۹	
۵۰	
۵۱	
۵۲	
۵۳	
۵۴	
۵۵	
۵۶	
۵۷	
۵۸	
۵۹	
۶۰	
۶۱	
۶۲	
۶۳	
۶۴	
۶۵	
۶۶	
۶۷	
۶۸	
۶۹	
۷۰	
۷۱	
۷۲	
۷۳	
۷۴	
۷۵	
۷۶	
۷۷	
۷۸	
۷۹	
۸۰	
۸۱	
۸۲	
۸۳	
۸۴	
۸۵	
۸۶	
۸۷	
۸۸	
۸۹	
۹۰	
۹۱	
۹۲	
۹۳	
۹۴	
۹۵	
۹۶	
۹۷	
۹۸	
۹۹	
۱۰۰	

فهرست مطالب

۱۷	
۱۹	
۲۳	
۲۵	

.....

فصل اول

۲۹	
۳۰	

• ضرورت ارتش.....	۳۳
الف - اقشار اجتماعی و ضرورت ارتش.....	۳۳
• اخلاق نظامی.....	۳۴
ب - نیاز طبقات اجتماعی به ارتش.....	۳۶
۲- مسایل اخلاق نظامی.....	۳۸
اول - اخلاق عمومی نظامیان.....	۳۸
دوم - اخلاق ممتاز نظامی (خصوصی).....	۴۰
سوم - ضرورت اخلاق عمومی و اختصاصی.....	۴۴
۳- مشکلات اجرایی اخلاق عمومی و اختصاصی نظامیان.....	۴۶
اول - مشکلات اجرایی اخلاق اختصاصی.....	۴۶
دوم - مشکلات اجرایی اخلاق عمومی در نظامیان.....	۵۲
۴- حلّ تضادها.....	۵۷
اول - تفاوت‌ها و تضادها.....	۵۸
دوم - راه حل‌ها.....	۶۲
۱- تحمّل و بردباری امام علی (ع).....	۶۴
۲- زخم‌های علی (ع) در پیکار.....	۶۵
• غزل و نکوهش فرماندهان نظامی نالایق.....	۶۷

فصل دوم

۱ - باز سازی اخلاقی

اول - خودسازی معنوی.....	۷۴
دوم - ضرورت خداگرایی.....	۷۵

- سوم - توجه به الگوهای تربیتی ۷۷
- چهارم - خداگرایی فرماندهان ۷۹
- ۲ - مسؤولیت‌های فرماندهی نسبت به مردم و نظامیان
- ۱ - آگاهی از اوضاع سیاسی کشور و تحرکات دشمن ۸۶
 - ۲ - هشدارهای لازم به ملت ۸۶
 - ۳ - فراهم آوردن امکانات مقابله با دشمن ۸۷
 - ۴ - حفظ آمادگی و روحیه رزمی ملت ۸۷
 - ۵ - آموزش فرهنگ جهاد و شهادت ۸۸
 - ۶ - تداوم آموزش نظامی ۸۹
 - ۷ - الگوسازی و ارایه سمبل‌های مقاومت ۹۰
 - ۸ - دشمن‌شناسی و شناساندن آن به ملت ۹۱
 - ۹ - تقویت نیروهای اطلاعاتی در کشور ۹۳
 - ۱۰ - نفوذ دادن نیروهای اطلاعاتی در خاک دشمن ۹۳
 - ۱۱ - افشاگری و پاسخ به شبهات دشمن ۹۳
 - ۱۲ - افشاکردن شخصیت‌های سیاسی منحرف ۹۴
 - ۱۳ - تحلیل‌های سیاسی در افشای خطوط گروه‌های سیاسی ۹۴
 - ۱۴ - تحلیل درست تاریخ سیاسی گذشته کشور ۹۴
 - ۱۵ - آینده‌نگری و تحلیل حوادث آینده کشور ۹۴
 - ۱۶ - انتخاب فرماندهان لایق ۹۵

فصل سوم

اوّل - برخورد های اخلاقی با مردم

- ۱- آگاه سازی مردم نسبت به اخبار جاری کشور..... ۱۰۱
- ۲- استفاده از آگاهی مردم برای بسیج نیروها..... ۱۰۲
- ۳- دشمن شناسی..... ۱۰۲
- الف - شناساندن سیمای ناکثین..... ۱۰۲
- ب - شناساندن معاویه..... ۱۰۵
- ج - شناساندن عمرو عاص..... ۱۰۶
- ۴- اعلام مواضع قاطعانه نسبت به جنگ..... ۱۰۸
- ۵- بسیج عمومی مردم..... ۱۱۱
- ۶- تعیین مدیران لایق برای اداره جامعه..... ۱۱۱
- ۷- تداوم آموزش نظامی..... ۱۱۲
- ۸- تداوم آموزش اخلاقی..... ۱۱۲

دوّم - برخورد های اخلاقی با نظامیان

- ۱- انتخاب فرماندهان لایق..... ۱۱۵
- الف - انتخاب فرماندهان لایق..... ۱۱۶
- ویژگی های اخلاقی مالک بن اشتر..... ۱۱۷
- ب - نصب فرمانده برای لشکر پیشرو..... ۱۱۸
- ج - انتخاب فرماندهان لایق برای لشکری عمل کننده..... ۱۱۹
- د - انتخاب فرمانده کل..... ۱۱۹
- ۲- عزل فرماندهان..... ۱۲۱

- ۱۲۱- الف- تشریح علل عزل فرمانده ۱۲۱
- ۱۲۲- ب- عزل و نصب‌های حساس شده ۱۲۲
- ۱۲۵- ج- تقدیر از فرماندهان معزولی که به شهادت رسیدند ۱۲۵
- ۱۲۷- ۳- نظارت و مراقبت بر اعمال فرماندهان ۱۲۷
- ۱۲۷- الف- اطلاع از مکاتبات سیاسی ۱۲۷
- ۱۲۸- ب- اطلاع از کجروی‌ها ۱۲۸
- ۱۳۰- ۴- تبیین علل فرار و عوامل بازدارنده ۱۳۰
- ۱۳۲- الف- عامل فکری، تبلیغی ۱۳۲
- ۱۳۳- ب- عامل خویشاوندی ۱۳۳
- ۱۳۵- ج- عامل سیاسی ۱۳۵
- ۱۳۷- د- عامل زندگی و ترس از مرگ ۱۳۷
- ۱۳۷- ۵- راه مبارزه با تفکر فرار و تسلیم ۱۳۷
- ۱۳۸- اول- توجه به ره آورد شوم فرار ۱۳۸
- ۱۳۸- دوم- توجه به عذاب قیامت ۱۳۸
- ۱۳۸- سوم- توجه به حتمی بودن مرگ ۱۳۸
- ۱۳۹- چهارم- توجه به أجل طبیعی ۱۳۹
- ۱۴۱- پنجم- توجه به فناپذیری انسان ۱۴۱
- ۱۴۲- ششم- آخرت گرایی ۱۴۲
- ۱۴۴- هفتم- شهادت طلبی ۱۴۴
- ۱۴۶- ۶- حفظ آمادگی رزمی ۱۴۶
- ۱۴۸- الف- آموزش‌های مداوم نظامی ۱۴۸
- ۱۵۰- ب- مانورهای نظامی ۱۵۰

ج - سازماندهی نیروها	۱۵۳
د - پرهیز از آزار دادن غیر نظامیان در مانورها	۱۵۵
۷ - رسیدگی به مشکلات اقتصادی نظامیان	۱۵۷

فصل چهارم

اول - تلاش در هدایت کردن دشمن	۱۶۳
دوم - پند و اندرز دادن به دشمن	۱۶۵
سوم - پاسخ‌های لازم به ادعاهای دشمن	۱۷۰
چهارم - افشای روش‌های عوام فریبی دشمن	۱۷۰
پنجم - افشای سیمای واقعی دشمن	۱۷۱
ششم - اعلام مواضع قاطعانه در جنگ	۱۷۴
هفتم - فرستادن طلایه داران لشکر	۱۷۶
هشتم - آمادگی رزمی	۱۷۷

فصل پنجم

۱ - سازماندهی نیروها	۱۸۱
۲ - تلاش برای به دست آوردن موقعیت برتر	۱۸۳
۳ - آموزش ارزش‌های اخلاقی در جنگ	۱۸۷
۴ - آموزش‌های مداوم جنگی	۱۹۴
اول - تاکتیک‌های رزم انفرادی	۱۹۴
دوم - تاکتیک‌های رزم انفرادی و حملات عمومی	۲۰۵

فصل ششم

اول - مواضع قبل از آغاز جنگ

- ۱- شروع نکردن عملیات ۲۳۲
- ۲- نصیحت و اندرز دادن به دشمن ۲۳۳
- ۳- مناظره با دشمن ۲۳۵
- افشاگری نسبت به حکمیت ۲۳۷
- افشاگری انحراف عقیدتی خوارج ۲۳۹
- اتمام حجت با شورشیان جمل ۲۴۰
- پاسخ به ادعاهای اصحاب جمل ۲۴۱
- ۴- ارسال نامه‌های هدایت‌گر ۲۴۳
- الف - نامه به رهبران جنگ جمل ۲۴۵
- ب - نامه‌ها به معاویه و سران قاسطین ۲۴۷
- ۱- پاسخ به ادعاهای معاویه در مسأله بیعت ۲۴۸
- ۲- رد ادعای معاویه ۲۵۰
- ۳- نصیحت و اندرز دادن به معاویه ۲۵۲
- ۴- نامه به عمرو عاص ۲۵۴
- ۵- سخنرانی هدایت‌گر و افشاکننده ۲۵۵
- اول - اعلام مواضع ۲۵۶
- دو - پاسخ به تهدیدها و ادعاهای اصحاب جمل ۲۵۷
- سوم - افشای ماهیت ناکثین ۲۵۸
- چهارم - افشای اصرار سران ناکثین در بیعت ۲۶۰
- پنجم - سخنرانی نسبت به قاسطین ۲۶۱

ششم - سخنرانی برای هدایت خوارج.....	۲۶۳
۱ - هشدار دادن به فریب خوردگان خوارج.....	۲۶۳
۲ - افشای تفکر انحرافی خوارج.....	۲۶۴
۳ - پاسخ به ادعای خوارج.....	۲۶۵
۴ - اعزام نیروهای تبلیغی.....	۲۶۶
۵ - غفو و اینثار.....	۲۶۷
۶ - امان دادن به دشمن.....	۲۶۸
۷ - مطرح کردن سوابق خویش.....	۲۶۸
۸ - مهلت دادن به دشمن.....	۲۶۸
۹ - ترک روش‌های خشونت آمیز.....	۲۷۰
۱۰ - عدم استفاده از تاکتیک‌های نظامی.....	۲۷۱
۱۱ - پرهیز از دشنام دادن به دشمن.....	۲۷۱
۱۲ - احترام متقابل.....	۲۷۲
دوم - مواضع امام پس از آغاز جنگ	
۱ - اعلام مواضع قاطعانه نظامی.....	۲۷۴
۲ - دعا و درد دل با خدا.....	۲۷۵
۳ - فرمان حمله سراسری.....	۲۷۶
۴ - استفاده از تمام تاکتیک‌های نظامی.....	۲۷۷
۵ - تداوم حملات تا پیروزی.....	۲۷۷
۶ - افشای ماهیت دشمن.....	۲۷۸
۷ - نفرین کردن به دشمن متجاوز.....	۲۷۸

- فهرست روایات ۲۸۱
- فهرست منابع ۲۸۷
- فهرست دیگر آثار مؤلف ۲۹۲

• کلیات

در تعریف و تبیین «اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه»، ابتدا باید دیدگاه‌های متفاوت را نسبت به :

• تعریف انسان

• تعریف جامعه انسانی

• تعریف واژه نظامی و اهداف و رسالت آن

شناخت و ارزیابی کرد و تا موضوع اخلاق و اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه، به روشنی جایگاه ویژه خود را در مباحث اخلاقی بیابد. همچنین تا تعریف درستی از انسان و جامعه انسانی نداشته باشیم، نمی‌توانیم واژه نظامی را تعریف نماییم.

• تعریف انسان

نسبت به انسان دو دیدگاه کلی در مکاتب بشری و ادیان آسمانی وجود دارد. انسان، در تئوری‌های علمی و مکاتب بشری، موجودی است ناشناخته که به گونه‌ای تصادفی و خود به خود، بدون اهداف تکاملی و آرمان اخلاقی و بدون

طرح و برنامه حساب شده‌ای پدید آمده است که معلول بی‌نهایت تصادف‌هاست. (۱)

نه آغاز مشخصی دارد و نه پایان روشنی در انتظار اوست. خود آمده و روزی هم خواهد رفت. قانون، مقررات، آیین کشورداری، سیاست و امور نظامی، ساخته و پرداخته ذهن آدمی است و هرگاه که بخواهد آن را عوض می‌کند یا تغییر می‌دهد. نه جهان بینی و فلسفه‌ای را می‌توان نسبت به انسان تصور کرد و نه ارزش‌های اخلاقی جاویدان را باور داشت.

طبق نظر مارکس در مانیفست (۲) اخلاق وابسته به منابع پرولتاریاست و اخلاق جاویدان و ثابت، دروغ است. در این دیدگاه، سیاست نیز اصول روشن و ثابتی ندارد و در خدمت منافع انسان مادی است، که ماکیاولیسم مطرح می‌شود و می‌گوید:

« هدف وسیله را توجیه می‌کند. »

آنگاه با تعریف مادی انسان و پیدایش تصادفی او و پذیرش ادوار تاریخ مارکسیستی « هیستورِیسم ماتریالیسم » یا « جبر تاریخ »، انسان به طور تصادفی به وجود آمد و در غارها لخت و عریان زندگی کرد، سپس به گونه‌ای تصادفی با انواع غذاها و ابزار زندگی و گندم و آتش آشنا گردید و به زندگی روستایی گرایش پیدا کرد و عصر غارنشینی و عصر حجر را تصادفی پشت سر گذاشت و آنگاه به زندگی شهری و سپس به صنعتی شدن و نظام فئودالیسم و کاپیتالیسم راه یافت، پس:

• هدفداری روشنی در زندگی انسان متصور نیست؛

(۱) - اگرستانسالیسم، ژان پل سارتر.

(۲) - مانیفست، مارکس و انگلس، ص ۶۸.

• ارزش‌های اخلاقی وجود ندارند؛

• باورهای دینی و عقیدتی نیز مطرح نیستند.

چنین موجودی سپس به نظامی‌گری روی می‌آورد، ابزار و اسلحه دفاعی و تهاجمی می‌سازد. آنگاه انواع تهاجمات نظامی را پدید می‌آورد، می‌کشد، می‌سوزاند و نابود می‌کند تا بماند و کشور گشایی و جهان‌گشایی کند که انواع فاشیسم و نازیسم را با حرکت‌های میلیتاریستی پدید می‌آورد و تداوم می‌بخشد.

در این دیدگاه، نظامی اسیر سیاست انسان مادی است و آنقدر اسلحه می‌سازد و قدرت تخریبی آن را بالا می‌برد که زمین و حیات جانداران را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد و در غلب سازمان‌هایی پدید می‌آیند که شعار می‌دهند:

« به زمین مهلت زندگی دهید! »

پس از ساخته شدن بمب‌های اتمی، راسل و اینشتین در کنفرانس مسکو اعلام خطر می‌کنند. به کنفرانس‌های دیگر می‌زنند، خطر تشعشعات اتمی را به بحث می‌گذارند، اما فایده‌ای ندارد؛ زیرا حال دیگر خود نیز در امان نیستند، انسان مادی بی‌عقیده را مسلح کردند و تیغ در دست زنگی مست دادند. راسل با بدبینی خاصی می‌گوید:

« آیا اجازه می‌دهند این کتابی که دارم می‌نویسم چاپ و منتشر گردد؟ »

آیا زمین را به زودی نابود نمی‌کنند؟^(۱)

در صورتی که انسان در دیدگاه مکاتب و ادیان آسمانی، همدار است. پروردگار بزرگ هستی، طرح جامع و کاملی در خلقت کهکشان، منظومه، زمین و سپس انسان داشته و سال‌ها قبل از آفریدن انسان، طرح آفرینش او را

با فرشتگان به بحث می‌گذارد. نقد و ارزیابی شروع می‌شود و پس از آفرینش انسان با خلاقیت‌های گوناگون و خدادادی، او را به ملائکه عرضه می‌کند. همه با شگفتی، اعتراف به عجز می‌کنند و پس از فرمان سجده در برابر انسان سجده می‌کنند.

انسان در تفکر و جهان بینی توحیدی، خلقِ خدای حکیم است و مسجود فرشتگان، دارای اهداف و آرمان تکاملی حساب شده‌ای است که طراح و پروردگار او به صورت وحی در ألواح، صُحُف و کتاب‌های آسمانی و قرآن، نازل فرموده است. بنابر این انسان؛

• دارای اهداف تکاملی است؛

• دارای آغاز و پایان روشن است (اِنَّا لَهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ)؛

• دارای ارزش‌های معنوی است؛

• دارای اخلاق فردی و اجتماعی است؛

• دارای دین، عقیده و برنامه زندگی است.

آداب و مقررات دین برای تمام جنبه‌های زندگی انسان، از دوران تولد تا جوانی، پیری، مرگ و پس از مرگ، مطرح است.

در این تعریف، انسان الهی است؛ انسان دارای معنویت و ارزش‌های اخلاقی است که برای تداوم تکامل خود و حفظ آرمان و عقیده خود، باید تهاجمات گوناگون را پاسخ دهد. به همین دلیل به آموزش نظامی روی می‌آورد، خود را آماده و تجهیز می‌کند، انواع اسلحه‌ها را فراهم می‌آورد تا از دین الهی و آرمان معنوی خود دفاع کند.

پس یک نظامی مسلمان در استخدام ارزش‌هاست و بازیچه منافع انسان مادی نیست، ارتش نیز چونان انسان، توحیدی و آرمان طلب است، ارتش نیز

الهی است و برای اعتلای کلمه حق تلاش می‌کند، ارتش نیز دارای اخلاق است، آن اخلاق نظامی که قرآن و نهج البلاغه معرفی می‌کند، ارتش آزاد است، زیر سلطه «ایست» یا «ایسم» یا شخص یا جناح خاصی نیست. مجری فرمان الهی و مدافع ارزش‌های انسانی و الهی است، که امام علی علیه السلام فرمود:

فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ.

(پس لشکریان به اذن خدا، حافظان و پاسداران رعیت و زینت زمامداران و مایه عزت و شوکت دین و راه‌های امن و آمان جامعه می‌باشند).^(۱)

• تعریف جامعه انسانی

دیدگاه‌های مکاتب و آدیان، نسبت به جامعه نیز گوناگون و متفاوت است که هر کدام از این دیدگاه، در رسالت و هدفداری ارتش و نظامیان نقش دارند. اگر طبق اظهار نظر جامعه شناسان مادی، جامعه بشری تصادفی پدید آمده باشد، ادوار تاریخ را خود به خود سپری کرده باشد، سیر جبری آن قابل انسداد نباشد و نتوان مقابل کجی‌ها و انحرافات حرکت جامعه ایستاد، پس:

• در جامعه مادی نمی‌توان اهداف مشخصی را دنبال کرد؛

• در جامعه مادی ارزش‌های اخلاقی اعتباری ندارند؛

• در جامعه مادی اختیار و انتخاب انسان نمی‌تواند دخالت داشته

باشد.

بنابراین ارتش، نظامیان و نظامی نیز نمی‌تواند از یک هدفداری ارزشمندی

(۱) - نامه ۴۴/۵۳ نهج البلاغه ترجمه مؤلف (در این کتاب، شماره سمت راست، شماره نامه، خطبه و حکمت است و شماره سمت چپ، شماره فراز و خط مورد نظر در نامه، خطبه و حکمت است).

برخوردار باشد و سیستم فکری و موضع‌گیری‌های ارتش وابسته به نوع و شکل رژیم‌های سیاسی حاکم بر جوامع بشری است. اگر رژیم سیاسی کشوری استبدادی، فئودالیت، کاپیتالیستی و فاشیستی باشد، نظامیان را در پیشبرد اهداف شیطانی خود بسیج می‌کنند و اگر سیستم سیاسی کشوری وابسته به ابرقدرت‌ها باشد، نظامیان آن کشور نیز وابسته و در خدمت استعمارگران خواهند بود. و یا اگر رژیم حکومتی کشوری بر عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی تکیه زده است، قدرت و امکانات نظامیان را نیز در جهت اجرای عدالت به کار می‌گیرد.

در صورتی که پیدایش جامعه بشری، امت و ملت، حکومت و نظام‌های سیاسی در تفکر توحیدی و آدیان الهی و اسلام، به گونه‌ای تصادفی و خود به خود یا تحوّل خود به خود، نیست، بلکه از آغاز زندگی اولین انسان تاکنون و آینده‌های دور، همه بر اساس حکمت، فلسفه، علم، عقل و آگاهی پایه‌گذاری شده است.

خدای انسان آفرین، انسان و زندگی اجتماعی انسان را طراحى و به همه نیازها و نیازمندی‌های او پاسخ مثبت داده است. پیامبران الهی با راهنمایی فرشته وحی، جامعه و امت توحیدی و اسلامی را پدید آوردند و حقوق و مقررات اجتماعی انسان را که از طرف خدا نازل شده بود، تفسیر، تبیین و اجرا کردند. نه انسان تصادفی پدید آمد و نه جامعه انسانی خود به خود پدیدار گشت؛ بلکه آفرینش انسان‌های گوناگون با استعدادها و ذوق‌های متفاوت، برای اداره جامعه و رفع نیازهای گوناگون طراحى دقیق شده است، که هیچ سؤالی بدون پاسخ نماند و هیچ نیازی فراموش نگردد.

• واژه نظامی

ارتش توحیدی و اصل ارزشمند جهاد در راه خدا، در متن مقررات زندگی اجتماعی انسان‌ها گنجانده شده و در تمام ادیان آسمانی و اسلام، بزرگ‌ترین عبادت، شهادت در راه خداست.

در جامعه توحیدی:

هم فرد هدفدار است،

و هم جامعه دارای اهداف تکاملی است،

و هم ارتش اسلامی مدافع ارزش‌ها و اهداف الهی است.

زیرا انسان الهی در جامعه توحیدی، برای دفع انواع تهاجمات دشمنان و ریشه‌کن کردن انواع توطئه‌ها و پاسخ‌دادن به روش‌های گوناگون تهاجم، نیازمند به ارتش و نیروی آماده دفاع است، که جندالله یا عساکر الله، در تفکر توحیدی معنای حقیقی خود را می‌یابد و آغاز و پایان آن به خوبی روشن است.

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)

محمد دشتی (مدیر)